

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و
على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله في الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بیمه» / جلسه ۸ (۱۵/۹/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه – ارکان عقد بیمه

موضوع بحث امروز: مسأله چهارم – شروط شش گانه در عقد التأمین

مقدمه: مسأله چهارم بیمه در تحریر الوسیله درباره موضوعاتی است که باید در عقد بیمه معین و معلوم باشند، این امور از قبیل همان اموری است که در سایر عقود شرط شده است منتهی در اینجا با توجه به عقد بیمه، جهات این شروط متناسب با عقد بیمه است؛ امام خمینی، ره در مسأله چهارم بیمه می فرماید:

يشترط في التأمین مضافاً إلى ما تقدم أمور:

الأول - تعيين المؤمن عليه من شخص أو مال أو مرض ونحو ذلك.

الثاني - تعيين طرفي العقد من كونهما شخصاً أو شركة أو دولة مثلاً.

الثالث - تعيين المبلغ الذي يدفع المؤمن له إلى المؤمن.

الرابع - تعيين الخطر الموجب للخسارة كالحرق والغرق والسرقة والمرض والوفاة ونحو ذلك.

الخامس - تعيين الأقساط التي يدفعها المؤمن له لو كان الدفع أقساطاً، وكذا تعيين أزمانها.

السادس - تعيين زمان التأمین ابتداء وانتهاء.

وأما تعيين مبلغ التأمين بأن يعين ألف دينار مثلاً فغير لازم، فلو عين المؤمن عليه والتزم المؤمن بأن كل خساراً وردت عليه فعلى أو أنا ملتزم بدفعها كفى»

می‌فرمایند: در بیمه علاوه بر آنچه که گذشت، اموری شرط می‌باشد: اول - تعیین مورد بیمه از شخص یا مال یا بیماری و مانند آن - دوم تعیین دو طرف عقد که مثلاً شخص یا شرکت یا دولت باشد. سوم - تعیین مبلغی که بیمه شونده به بیمه کننده می‌پردازد. چهارم - تعیین خطری که موجب خسارت است، مانند سوختن و غرق شدن و دزدی و بیماری و وفات و مانند آن. پنجم - تعیین اقساطی که بیمه شونده می‌پردازد، در صورتی که پرداخت آن اقساطی باشد. و همچنین تعیین زمان آن‌ها. ششم - تعیین زمان بیمه از جهت ابتدا و انتها. و اما تعیین مبلغ بیمه، به این که مثلاً هزار دینار تعیین شود لازم نیست، پس اگر مورد بیمه معین شود و بیمه کننده ملتزم شود که هر خسارتی که بر او وارد شود بر من است، یا من به پرداخت آن ملتزم می‌باشم، کفایت می‌کند.

تبیین مسأله

در صحت عقد بیمه، لازم است افزون بر آنکه دو طرف قرارداد، شرایط کلی صلاحیت و شایستگی عقد قرارداد از قبیل: بلوغ، عقل، اختیار، قصد و حق تصرف در اموال خود را دارا باشند، باید شرایط دیگری نیز به روشنی، مراعات گردد؛ عقد بیمه مانند دیگر عقود، دارای موضوعی است که عقد بر آن واقع می‌شود. موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی، مشروط بر این که بیمه‌گذار نسبت به بقای آنچه بیمه می‌دهد ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد.

بنابراین اگر قرارداد بیمه عمر بدون مشخص کردن موضوع بیمه منعقد شود، بر اساس قواعد عمومی حاکم بر عقود و معاملات، چنین عقدی باطل و بی‌اثر خواهد بود، مثلاً اگر مشخص شود که مال موضوع بیمه، قبل از قرارداد وجود نداشته یا خطری که قرارداد بیمه برای آن منعقد شده، قبل از انعقاد قرارداد واقع شده بوده، قرارداد

بیمه باطل خواهد بود، مثل اینکه اگر قرارداد بیمه عمر بر مبنای عمر شخصی منعقد شود و بعداً معلوم شود آن شخص در هنگام انعقاد قرارداد در قید حیات نبوده، آن قرارداد باطل خواهد بود.

تاکید بر عنوان «تعیین» در شروط شش گانه در مسأله چهارم

نکته مهم در شروط شش گانه‌ای که امام خمینی، ره بر آن تأکید و تکرار می‌کنند لفظ «تعیین» در تمام موارد است و این بخاطر احتمالاتی است که در عقد بیمه موجب بطلان آن می‌شود، بلکه برخی از فقها و برخی از علمای اهل تسنن به دلیل همین موارد، حکم به بطلان عقد بیمه کرده‌اند؛ مثلاً گفته‌اند:

مورد اول، عقد بیمه، عقد غرری است: «الحقیقه أن عقد التأمین من عقود الغرر العقود الاحتمالیة المترددة بین وجود المعقود علیه و عدمه و قد نهی الرسول صلی الله علیه و آله عن بیع الغرر، و یقاس علیه عقود المعاوضات المالیة فیؤثر الغرر فیها كما یؤثر فی عقد البیع» (وهبة الزحیلی - کتاب "العقد الإسلامی و أدلته")

مورد دوم، عقد بیمه، عقد ربوی است: می‌گویند بیمه و تأمین باطل است. چرا؟ چون خالی از ربا و غرر نیست (علی محیی الدین القره باغی)

مورد سوم، عقد بیمه، مصداق اکل مال بالباطل است: «فقهاء المجلس الأعلى للأوقاف المصری عرض المسئلة علی أعضائه من كبار العلماء، و هم بین حنفی و مالکی، و قد اجتمع رأیهم علی أن الشركة المؤمنة تقع تحت حکم «أكلهم أموال الناس بالباطل»

(اوقاف مصری یک مجلس اعلا دارد برای احکام وقف، بلکه همه‌ی احکام فرعیه را مجلس اعلا‌ی اوقاف به عهده دارد، چون اوقاف در کشور های اهل سنت یک مقام عظیمی دارد و لذا می‌گویند: «وزارة الأوقاف للأمر الشرعية» مجلسی دارند و آنها مجلس را با حضور علمای حنفی و مالکی تشکیل دادند، همه‌ی آنان گفتند که بیمه باطل است. چرا؟ چون اکل مال به باطل است. بیمه‌گزار ده تومان داده، اگر مالش تلف شود ممکن است صد برابر از بیمه‌گر بگیرد)

مورد چهارم، عقد بیمه، قمار است:

مورد پنجم، عقد بیمه تحت عناوین مبطله عقود قرار می‌گیرد: الشیخ ابو زهره، و قد أفتی بالتحريم و قال فی کلام مفصل ما حاصله: «إنّ المذاهب الإسلامیة القائمة لا یوجد من العقود الّتی تجیزها ما یتشابه مع عقد التأمین، آیا ما كان نوعه، و أنّ قاعدة الأصل فی العقود و الشروط الإباحة لا تكفی لإباحة التأمین لاشتماله علی أمور غیر جائزة، و هی: الغرر و القمار و عقد لا محلّ له (توجیه شرعی برای حلّیتش نداریم) و التزام ما لا یلزم و ضمان ما لم یجب»

دیدگاه علمای شیعه در باره‌ی بیمه و طرح کلام صاحب عروه (ره)

چنانکه سابقاً هم گفتیم اولین فردی از علمای شیعه که مسئله‌ی تأمین و بیمه را مطرح کرده، مرحوم سید کاظم طباطبائی، ره صاحب عروه است در مسئله‌ی فتاوا، یعنی فتاوی ایشان را جمع کرده‌اند (گویا فتاوی ایشان را مرحوم حاج شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، این دو برادر جمع کرده‌اند)، یعنی در طول مرجعیت مرحوم سید، سؤال‌های زیادی از ایشان شده که یکی از آن سؤال‌ها این است که در هند یک اداره‌ای تاسیس شده که برای تجار ضامن می‌شود. به این معنا که اگر کسی جنسش را از هند به مقصد عراق یا به مقصد کشور دیگری حمل نمود، چنانچه این کالا در بین راه تلف بشود، این اداره خسارت کالای او را جبران کند، اما به شرط اینکه از اول دو درصد این کالا مربوط به این شرکت باشد، اگر به سلامت رسید که چه بهتر! یعنی صاحب کالا، فقط همین دو درصد را می‌دهد و چیزی به گردن اداره نمی‌آید، اما اگر به سلامت نرسید شرکت و این اداره همه‌ی خسارت صاحب مال را جبران می‌کند.

البته سائل یک اشکال دیگری هم در نظرش بوده و آن اینکه این مسئله با توکل منافات دارد، انسان وقتی که سوار کشتی می‌شود یا کالا را از طریق دریا می‌فرستد، باید بر خدا توکل کند، مثل اینکه شما می‌خواهید به خدا توکل نکنید، توکل به اداره‌ی بیمه کنید. مرحوم سید این اشکال را جواب نداده، چون موافق با بیمه نبوده و لذا جواب نداده، اما اولی را جواب داده و فرموده جایز نیست و این معامله یک معامله‌ی باطل است. چرا باطل است؟ می‌گوید: «لیست شرعیة» ایشان وجه عدم شرعیت را بیان نکرده، بلکه دیگران گفته‌اند یا قمار است یا غرر،

فقط می‌گوید این شرعی نیست، ولی می‌گوید اگر می‌خواهید راه شرعی برایش درست بشود، راه شرعی‌اش این است که با اداره‌ی بیمه مصالحه کند و بگوید من دو درصد قیمت کالا را به تو می‌دهم، به شرط این که شما این جنس مرا (که ده میلیون قیمتش است) نسیه بخری، به این معنا که اگر در طول مسیر در دریا غرق شد، کالا از شما باشد، آن ده میلیون را دوباره به من برگردان، اما اگر کالا به سلامت به مقصد رسید، من حق فسخ معامله را داشته باشم، یعنی همان دو درصد را به شما می‌دهم و معامله را فسخ می‌کنم و کالا را دوباره از شما می‌گیرم. (ثمن را هم که از طرف نگرفته بود، چون ثمن نسیه و در ذمه بود). ایشان از این راه می‌خواهد بیمه را درست کند.

بنابراین؛ مرحوم سید می‌گوید این معامله باطل است، ولی اگر بخواهد این معامله درست بشود، باید مصالحه کند. (متن عروة؛ فأجاب: «المعاملة المذكورة ليست شرعية و إذا أريد تطبيقها على الوجه الشرعي له أن يصالح ماله (کالا را) لصاحب التأمین (بیمه‌گر) بالقيمة المعينة»)

ضرورت پاسخ به اشکالات یا توهّمات مطرح شده

از بیان اقوالی که ذکر شد، به این ضرورت می‌رسیم که تمام این موارد که به عنوان، مانع یا به عنوان عامل بطلان عقد بیمه شمرده شده، جواب داده شود؛ این در حالی است که در عقود معاوضی در فقه تمام این موارد پاسخ داده شده است؛ به تعبیر دیگر برای اینکه اموری مانند اکل مال به باطل پیش نیاید و یا حرمت در معامله بوجود نیاید، تمام این امور پیش‌بینی شده و کافی است که فقیه رجوع به باب معاملات بالمعنی الاخص بلکه معاملات بالمعنی الاعم داشته باشد تا به خوبی، شروط مصرحه در عقود را متوجه شود مثلاً در عقد بیع، فقها درباره شروط عقد، شروط متعاقدين، شروط عوضین، قبض و اقباض، مباحث مفصلی را طرح نموده‌اند تا اشکالاتی از قبیل آنچه در بیان فقها آمده مانند: غرری بودن، ربوی بودن، الزام مالایلتزم و...

دفع شود و یقیناً اینکه مرحوم امام، ره در موارد شش‌گانه فوق از لفظ تعیین استفاده می‌کنند دو جنبه حساس دفعی و رفعی در عقد بیمه دارد و لذا به نظر ما این اشکالات مطلقاً در عقد بیمه جاری نمی‌شود که پاسخ آن را به جلسه بعد موکول می‌کنیم. ان شاء الله

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین